

تحلیل محتوای زبانی مضامین یادداشت‌های خودکشی (مطالعه موردی 30 نمونه در شهر مشهد)

امید دربر دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
حمیدرضا میرزاجانی، استادیار، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده
مسئول)

اعظم استاجی دانشیار، زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران
عباس شیخ الاسلامی دانشیار، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

صص: 1-29

چکیده

یادداشت‌های خودکشی تنها مدرک قابل اعتنا در پرونده‌های مرگ مشکوکی است که با عنوان خودکشی در شعب ویژه قتل عمد مطرح می‌شوند. از همین رو احراز اصالت یا جعلی بودن آن نقش انکارناپذیری در تشخیص قتل عمد از خودکشی و نیز تصمیم قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی و صدور حکم بر عهده دارد. از آنجاکه محتوای این یادداشت‌ها دارای «داده‌های زبانی» است، می‌توان از رویکرد زبان‌شناسی حقوقی و یافته‌های آن در مسائل قضایی در دهه‌های اخیر بهره برد. این رویکرد منجر به پیدایش پیشرفت علمی در بررسی یادداشت‌ها از جمله؛ تحلیل گفتار، سبک‌شناسی جنایی، معناشناسی قضایی، تحلیل محتوای مضمونی و ... شده است. این پژوهش با بررسی یادداشت‌ها از طریق تحلیل محتوای مضامین می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: آیا مضامین موجود در یادداشت‌ها تکرار پذیر هستند؟ آیا رابطه معناداری بین مضامین پرتکرار و وقوع آن‌ها در جامعه آماری نمونه با جامعه آماری وجود دارد؟ این پژوهش با تکیه بر روش تحلیل محتوای براون و کلارک (2006) پانزده مضمون اصلی را شناسایی و مورد آزمون دوجمله‌ای قرار داد. از بین پانزده مضمون اصلی، مضامین ارجاع به اشخاص، دستورالعملها و اطلاعات با نود درصد تکرار پذیری در جامعه آماری مورد شناسایی قرارداد تا از این نتایج به عنوان یکی از قرائن و امارات مثبت در تشخیص یادداشت‌های واقعی از ساختگی بهره جست. کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی حقوقی، تحلیل زبانی، مضمون، یادداشت خودکشی، براون و کلارک

1. مقدمه

خودکشی¹ یکی از مهمترین دلایل مرگ‌های دارای پیشگیری است و در بین بیست علت اصلی مرگ و میر در جهان برای همه سنین است. در پنجاه سال گذشته، میزان

1- suicide note

خودکشی در سراسر جهان 60٪ افزایش یافته است. در سطح جهان، سالانه نزدیک به 800000 نفر به دلیل خودکشی می‌میرند؛ یعنی هر 40 ثانیه یک نفر. (سازمان بهداشت جهانی، 2014). خودکشی بیشتر از قتل در اکثر کشورهای جهان رایج است و آمار وقوع آن حدود دو برابر بیشتر از قتل گزارش شده و در برخی کشورها این میزان به ده تا بیست برابر هم می‌رسد (ریچی¹، روزرو² اورتیزاوسپینا³، 2015). براساس آمار پزشکی قانونی ایران در سال 1398 در ایران 5143 نفر خودکشی کامل داشتند که نسبت به سال قبل 0.8٪ افزایش داشته است (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، 1399)⁴. اما، در خصوص خودکشی‌های همراه با یادداشت در ایران آمار رسمی منتشر نشده است، لکن با توجه به بررسی میدانی در این تحقیق تمام گروه‌های سنی هنگام خودکشی بین 10٪ تا 20٪ موارد یادداشتی از خود به جای می‌گذارند.⁵

یادداشت خودکشی⁶ به یادداشت کسی که قصد کشتن خود را دارد اطلاق می‌شود و معمولاً در دقایق یا ساعات منتهی به خودکشی نوشته می‌شود و از این رو می‌تواند بینشی در رابطه با شرایط روحی-روانی و افکار فردی که اقدام به خودکشی می‌کند، ارائه دهد. این یادداشت‌ها جزئی از اطلاعات ارزشمندی بوده است که می‌تواند باعث روشن‌تر شدن شرایط شود (بلک⁷، 1993: 699-702). نوشته‌های راجع به خودکشی به گذشته دوری تا عهد یونان باستان برمی‌گردند (اودانل⁸، فارمر⁹ و کاتالان¹⁰، 1993: 45-48) و دارای اشارات ضمنی به عمل خودکشی، یا روش‌های انجام‌گرفته خودکشی هستند (السن¹¹، 2004: 67).

یادداشت‌های خودکشی می‌تواند به چندین صورت نوشته شود. رایج‌ترین شکل آن یادداشت دست‌نویسی است که معمولاً در کنار قربانی یافت می‌شود. با گسترش کامپیوترهای خانگی، بخشی از یادداشت‌های خودکشی با جستجوی در فایل‌های کامپیوتری یافت می‌شود که به عنوان یادداشت الکترونیک شناخته می‌شود و امروزه این یادداشت‌ها در قالب پیام‌های متنی، صوتی و تصویری در فضاهای مجازی منتشر می‌شود (کوهرلر¹²، 2007: 87-89).

یادداشت‌های خودکشی که اغلب در صحنه جرم یافت می‌شوند؛ نقش حیاتی در تحقیقات کیفری بازی می‌کنند؛ چراکه از یک سو منبع اطلاعاتی ارزشمندی برای بررسی مرگ‌های مشکوک‌اند و بخشی از شواهدی هستند که برای بازسازی مشخصات قربانی و نتیجه‌گیری در خصوص نحوه مرگ او اعم از مرگ طبیعی، تصادف،

1- H. Ritchie

2- M. Roser

3- E. Ortiz-Ospina

4- <https://www.asriran.com/fa/news/746095/>

5- برگرفته از سامانه جامع آماری شعب دانسرای ناحیه 2 مشهد، سالهای 1393 الی 1400

6- suicide note

7- S. T. Black

8- O'Donnell, I

9- R. Farmer,

10- J. Catalan

11- J. Olsson,

12- S. A. Koehler

خودکشی یا قتل استفاده شود (دارکز¹، اتو²، پویترس³ و استار⁴، 1993: 9). از سوی دیگر کارشناسان بررسی صحنه جرم را با مشکلات متعددی برای ارزیابی و صحت انتساب آن به متوفی روبرو می‌کند. (آفرین⁵، نیدهی⁶ و ویاهی⁷، 2015: 3) با این حال، در حال حاضر تحقیقات تجربی کمی برای کمک به چنین تصمیم‌گیری‌هایی وجود دارد و در نتیجه ارزیابی صحت یادداشت‌های خودکشی به قضاوت انسانی متکی است و تصمیم‌گیری نادرست در چنین مواقعی مثل بازسازی مشخصات قربانی، نتیجه‌گیری در خصوص نحوه مرگ و چگونگی ارزیابی صحت انتساب آن به متوفی، ممکن است روند تحقیقات جنایی را طولانی‌تر کرده و باعث درست اجرا نکردن عدالت شود (آلت⁸، هزل وود⁹ و ربوسین، 1994: 72-73).¹⁰ هم‌اکنون بخش عمده‌ای از پرونده‌های شعب بازپرسی ویژه قتل عمد در مشهد در خصوص مرگ‌های مشکوکی است که تعدادی از آنها به عنوان خودکشی مطرح می‌شوند که تقریباً از این مجموع پرونده‌های مرگ مشکوک 20 درصد¹¹ با یادداشت‌های خودکشی همراه است. از این رو، تعیین اصالت این یادداشت‌ها تاثیر بسزایی در هدایت مقام قضایی در حل پرونده‌های خودکشی مشکوک به قتل دارد و مانع از صحنه‌سازی و انحراف ذهن مقام قضایی می‌شود؛ بنابراین نیاز به تشخیص اصالت این چنین یادداشت‌های جدی و قابل توجه است.

این مساله تنها مختص به ایران نیست و تبدیل به پرسش جهانی شده است. مثلاً یکی از پرونده‌های جنایی بحث برانگیز در سال‌های اخیر آمریکا، درباره ادی گیل فویل¹² بود که وی به جهت استناد دادگاه به یادداشت خودکشی منتسب به همسرش پائولا و بررسی محتوای زبانی یادداشت به عنوان یکی از مدارک صحنه جرم؛ این فرضیه که ادی یادداشت خودکشی را به پائولا، به عنوان بهانه دروغین دیکته کرده تقویت نمود و بر اساس قرائن دیگری که در پرونده موجود بود، ادی به قتل همسرش محکوم گردید (کانتر¹³، 2005: 315-333).

اکنون مساله اینجاست که رویکردهای تجربی مثل کارشناسی جعل، خط و امضاء و ... در بررسی یادداشت‌های دست‌نویس محدودیت‌های بسیار دارند و راهکاری علمی یا تجربی برای بررسی یادداشت‌های الکترونیکی وجود ندارد، پس برای احراز صحت و سقم این یادداشت‌ها و کشف حقیقت چه باید کرد؟ در سطح بین‌المللی مطالعات بسیاری در مورد یادداشت‌های خودکشی صورت گرفته‌است، اما بیشتر این مطالعات از منظر

1- J. Darkes

2- R. Otto

3- N. Poythress

4- L. Starr

5- A. Tarannum

6- N. Sharma

7- V. Saran

8- R. L. Ault

9- R. R. Hazelwood

10- R. Reboussin

11- این نسبت با بررسی آماری پرونده‌های سال‌های 94 تا 98 مرگ مشکوک موجود در شعب بازپرسی ویژه قتل مشهد بدست آمده است.

12- Eddie Gilfoyle

13- D. Canter

روانشناسی، روان‌پزشکی و جامعه‌شناسی بوده است و بررسی این یادداشت‌ها از منظر زبان‌شناسی تا حدودی اندک و مربوط به چند دهه اخیر است (شاپرو¹، 2011: 48). در کشورهای دارای پیشینه علمی در بررسی یادداشت‌های خودکشی مثل آمریکا و کانادا، این کار در محاکم قضایی از منظر زبان‌شناسی حقوقی توسط کارشناسان صورت می‌گیرد، و زبان‌شناسان حقوقی به عنوان شاهدان متخصص در جلسات دادگاه‌های کیفری و مدنی حاضر شده و با بیان نظرات تخصصی خود به قاضی و هیات منصفه کمک می‌کنند. براساس نظرات قضایی منتشر شده در آمریکا به نظر می‌رسد زبان‌شناسان حقوقی توانسته‌اند با بهره‌گیری از زبان‌شناسی در تشخیص و تبیین موضوعات چالش برانگیز حقوقی و کیفری به کمک قضات بیایند و در مواردی مثل تشخیص نسب و تبار احتمالی یک گوینده، قابلیت درک یک متن و شناسایی نویسنده آن مثل شناسایی نویسنده نامه‌های تهدیدآمیز، یادداشت‌های خودکشی و به طور کلی نامه‌های واجد اثر حقوقی و کیفری، زبان‌شناسان با اجازه دادگاه به عنوان کارشناس برای کشف حقیقت اعلام نظر کرده‌اند (تیرسما² و سولان³، 2002: 221-239).

السن⁴ درباره کاربرد و نقش مهم زبان‌شناسی در تحلیل و بررسی اصالت یادداشت‌های خودکشی می‌گوید: از زبان‌شناسان قضایی خواسته شده است تا متن‌هایی که مدعی شده یادداشت خودکشی هستند را تحلیل کنند، حتی اگر در چنین مواردی، پلیس به عمدی بودن مرگ، مشکوک نباشد، تلاش برای تعیین اینکه آیا متن مورد نظر علت یا شرایط مرگ را روشن می‌کند، از اهمیت برخوردار است (السن، 2008: 8).

تحقیقات تجربی مربوط به تحلیل یادداشت‌های خودکشی، دو مجموعه متغیر را نشان می‌دهد که می‌تواند در پیش‌بینی اعتبار آن یادداشت‌ها مفید باشد (گریگوری⁵، 1999: 131، لینارس⁶ و بالانس⁷، 1984: 252 از گود⁸ و والکر⁹، 1959: 60) یک مجموعه از متغیرها مربوط به ویژگی‌های ساختاری زبان است به طور مثال، متوسط طول جمله، درصد اسم‌های مورد استفاده، درصد افعال حرکتی¹⁰ به کار رفته، درصد افعال شناختی و مجموعه دیگر متغیرهای مربوط به جنبه‌های محتوایی و مضمونی داده‌های زبانی یادداشت‌هاست (بنل¹¹، جوینز¹² و تیلور¹³، 2011: 669-670) که در این مقاله جنبه اخیر یادداشت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش بر آن است که با تحلیل محتوای مضمونی زبانی یادداشت‌ها از طریق روش تحلیل محتوای براون و کلارک¹⁴ (2006)

1- J.J. Shpero

2- P. Tiersma

3- L. M. Solan

4- Olsson, J

5- Gregory

6- A. A. leenaars,

7- W. D. G. Balance

8- Osgood. C. E.

9- WMJmR.E

10- Action verbs

11- C. Bennell,

12- N. J. Jones

13- A. Taylor

14- V. Braun & V. Clarke

به این پرسش‌ها پاسخ دهد: آیا مضامین موجود در یادداشت‌ها تکرارپذیر هستند؟ آیا رابطه معناداری بین مضامین پرتکرار و وقوع آنها در جامعه آماری نمونه با جامعه آماری وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند راهکاری علمی برای مقام قضایی در تشخیص یادداشت‌های واقعی از ساختگی ارائه دهد. این پژوهش نخستین بررسی تحلیلی مضمونی محتوای زبانی یادداشت‌های خودکشی است که تا کنون در ایران اتفاق افتاده است و از نظر یافته‌های مشابه در سطح بین‌المللی نیز از معدود پژوهش‌هایی است که نتایج تحلیلی، مورد بررسی آزمونی از نوع آزمون دوجمله‌ای¹ Spss قرار می‌گیرد تا میزان تکرار و تعمیم‌پذیری نتایج مضمون‌های مورد بررسی در جامعه آماری سنجیده شود.

2. پیشینه پژوهش

یکی از پژوهشگران پیشرو در تجزیه و تحلیل محتوای یادداشت‌های خودکشی، ادوین اشنیدمن² است که تحقیقات طولانی را در خصوص خودکشی شروع کرد، و در این راستا برخی اسناد بایگانی را که از قضا حای یادداشت‌های خودکشی بود مرور نمود (لازاریدز و سخسا³، 2019: 149). اشنیدمن و فاربرو برای اولین بار با استخراج 33 یادداشت خودکشی واقعی از دفتر پلیس ایالت لس‌آنجلس و مقایسه آنها با یادداشت‌های غیرواقعی که داوطلبانه توسط افرادی که قصد خودکشی نداشتند، اما به قصد شرکت در پژوهش آنها این یادداشت‌ها را نوشته بودند، مقایسه کردند تا به ویژگی‌های این یادداشت‌ها پی برده و راهی برای تشخیص یادداشت‌های واقعی از ساختگی پیدا کنند (اشنیدمن و فاربرو⁴، 1957: 198-199). تحقیقات دیگری که پس از این بررسی انجام گرفت همگی پیرامون مجموعه یادداشت‌هایی بود که اشنیدمن و فاربرو جمع‌آوری کرده بودند؛ شناخته‌شده‌ترین و مستندترین مطالعات عبارتند از مطالعات اشنیدمن و فاربرو (1957)، اوزگود و والکر (1959)، گوستچاک⁵ و گسلا⁶ (1960)، استون⁷ و اشنیدمن (1966)، ادلمن⁸ و رشناو⁹ (1982) و گرگوری¹⁰ (1999) است (شاپرو، 2011: 48).

1 - رویکرد Binomial Test يك نسبت مشاهده شده از موارد را با نسبت مورد انتظار تحت يك توزیع دو جمله‌ای با يك پارامتر احتمالی مشخص مقایسه می‌نماید. نسبت مشاهده شده یا با تعداد مواردی که اولین مقدار يك متغیر دو مقوله‌ای (dichotomous) را دارا است تعریف می‌شود با تعداد موارد در يك نقطه برش داده شده یا پانینی‌تر، در يك متغیر کمی. در حالت پیش فرض، پارامتر احتمالی برای هر دو گروه برابر 0.5 است، اگر چه ممکن است تغییر نماید. این آزمون (که گاهی آزمون نسبت نامیده می‌شود) زمانی به کار می‌رود که می‌خواهیم نسبت خاصی را در جامعه بررسی کنیم. (به نقل از سایت 2133 <http://www.iranpajohesh.com>).

2- E.S. shenidman

3- A. Lazarides DR. Wassenaar, T. Sekhesa

4- N.L.Farrberow

5- L. A. Gottschalk

6- G. C. Gleser,

7- P. J. Stone

8- Ann M. Edelman

9- Steven L .Renshaw

10- A .Gregory

همان‌گونه که اشنیدمن متذکر می‌شود، در طول ۲۰ سال پس از چاپ ۳۳ یادداشت او، طیفی از مطالعات، جنبه‌های مختلف این یادداشت‌ها، از جمله «سبک منطقی^۱» و «خصوصیات زبانی^۲» را با استفاده از روش‌هایی، از جمله شمارش کامپیوتری «برچسب‌واژه^۳»، بررسی کردند (اشنیدمن، ۱۹۷۹: ۱۵۱). اشنیدمن می‌گوید: در کل، یادداشت‌های خودکشی اصیل دارای منطقی دو شقی^۴، میزان زیادی از پرخاش‌جویی و خودمقصر‌پنداری، استفاده از اسامی و دستورالعمل‌های مشخص برای باقی‌ماندگان، قاطعیت بیشتر، شواهد اندکی که نشان دهد فرد به خود «تفکر» فکر می‌کند، و کاربرد بیشتر معانی مختلف واژه عشق^۵ هستند (اشنیدمن، ۱۹۷۹: ۱۵۱).

دیگر مطالعات برجسته در تحلیل مضمونی یادداشت‌های خودکشی عبارتند از: اوزگود و واکر، که دستاورد آنان توجه‌کردن به تعداد بالاتر عبارات محبت‌آمیز^۶ و اصطلاحات مادر^۷، فقدان نامرتبی در یادداشت‌های اصیل، و مقدار بیشتر ارجاعات عینی^۸ و مقدار کمتر ارجاعات شناختی بود (ازگود و واکر، ۱۹۵۹: ۶۳). دستاورد گوستسچاک و گسler این بود که مجموعه متغیرهایشان بیش از یک بُعد داشت، و در یادداشت‌های اصیل ارجاع به انسان، اشیاء، و روابط فضایی^۹ بیشتر و ارجاع به فرایندهای کمتر بود (گوستسچاک و گسler، ۱۹۶۰: ۱۹۹-۲۰۱) به‌نظر می‌رسد دستاورد اوگیلوی^{۱۰}، استون، و شنیدمن استفاده آنها از لغتنامه و برچسب‌زنی معنایی کامپیوتری باشد؛ (اوگیلوی، استون، و اشنیدمن، ۱۹۶۶: ۱۵-۱۶۰)، ادلمن و رنشاو به این نتیجه رسیدند که تحلیل کامپیوتری را با مجموعه‌ای چندبعدی از متغیرها ترکیب کرده و متوجه قطبیت منفی در برخی از عبارات یادداشت‌های اصیل شدند؛ (ادلمن و رنشاو، ۱۹۸۲: ۱۰۷-۱۰۹). دستاورد لینارز^{۱۱} و رویکرد متفاوت او به مشکل و ابداع مدلی تحت عنوان «راهنمای موضوعی پیش‌بینی خودکشی»^{۱۲} از طریق تجزیه و تحلیل یادداشت‌های خودکشی که متشکل از ۳۵ اصل بود و در آن ویژگی‌های روانشناختی و دیدگاه‌هایی ارزشمند درباره ذهن متمایل به خودکشی را ارائه می‌دهد و اطلاعات موجود در یادداشت‌های مربوط به خودکشی را تفسیر می‌کرد و پس از آن موضوع بسیاری از تحقیقات قرار گرفت (لینارز، ۱۹۹۲: ۲۲۸)؛ امروزه این راهنمای موضوعی تنها برای یادداشت‌های مربوط به خودکشی در کشورهای کانادا، ایالات متحده، مجارستان و آلمان به کار می‌رود (اوکانر و شیهی، ۱۹۹۹: ۱۰۸)، یکی از تازمترین مطالعات یادداشت‌های خودکشی مربوط به گیلز^{۱۳} است که در رساله دکتری‌اش، یادداشت‌ها را از منظر

- 1- logical styles
- 2- language characteristics
- 3- tag words
- 4- dichotomous
- 5- love
- 6- endearment
- 7- mother terms
- 8- concrete
- 9- spatial relations
- 10- D. M. Ogilvie
- 11- leenaars
- 12- Thematic Guide to Suicide Prediction (TGSP)
- 13- S. P. Giles 13 content dictionar

روایت‌شناختی¹ مطالعه کرده‌است. با این حال، علیرغم روانشناس بودن، گیلز کارش را برحسب چیزی که «پدیده فر اجتماعی»² می‌نامد، بیان می‌کرد، و یادداشت‌هایش را با تاریخ دقیقی از نویسنده یادداشت‌ها بررسی می‌کند (گیلز، 2007ص، ۱۲۴). گیلز ۱۷۳ یادداشت خودکشی از ۹۵ نویسنده داشت (همان، ۳۲) و از «لغتنامه محتوا» که مدخل‌هایش یا می‌تواند با محتوای متن مطابقت داشته‌باشد یا نداشته‌باشد، استفاده کرد. هدف اکثر مطالعات مذکور جدا کردن یادداشت‌های خودکشی اصیل و جعلی است و تحقیقات نشان می‌دهد که تاحدی و نه کامل به چنین تمایزی دست پیدا کرد (شاپرو، 2011: ۱۲۴ و ۳۴۱-۳۴۲).

3. روش پژوهش

این تحقیق مبتنی بر روش کمی به جهت بهره‌گیری از روش آماری آزمون دوجمله‌ای در تفسیر نتایج داده‌های پژوهش و روش کیفی با توجه توسل به روش تحلیل محتوای براون و کلارک (2006) در شناسایی مضامین، می‌باشد. داده‌های پژوهش، 30 نمونه یادداشت‌های خودکشی واقعی استخراج شده از پرونده‌های مرگ مشکوک شعب ویژه قتل شهرمشهد، می‌باشد. روش تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر روش تحلیل محتوای براون و کلارک (2006) است که شرح و بسط آن در روش کار و چهارچوب نظری آمده است.

1.3. داده‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش از نمونه یادداشت‌های واقعی خودکشی از بین تقریباً بیش از 2000 پرونده مرگ مشکوک شعب بازپرسی ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه 2 مشهد از سال‌های 1393 الی 1399 که حاوی مرگ‌هایی ناشی از عوارض مسمومیت دارویی مواد مخدر، مسمومیت ناشی از مشروبات الکلی، امراض مختلف قلبی، تنفسی و خودکشی بود، استخراج شده است. از این بین موضوع 282 پرونده مرگ مشکوک خودکشی بوده که 14/1 درصد از کل پرونده‌های مرگ مشکوک را تشکیل می‌دادند. درانتها 41 یادداشت خودکشی از این پرونده‌ها استخراج شد، اعم از یادداشت متنی و پیامکی که 13/6 درصد از کل پرونده‌های خودکشی حاوی یادداشت بودند. پس از بررسی این یادداشت‌ها، 30 یادداشت شامل 20 یادداشت مرد و 10 یادداشت زن در این تحقیق قابل استفاده بودند. نویسندگان تمام یادداشت‌ها، اعم از مردان و زنان ساکن مشهد، در محدوده سنی 18 تا 40ساله بودند.

2.3. روش کار

برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای براون و کلارک (2006) استفاده شد. این روش تحلیل محتوایی شش مرحله را پیشنهاد می‌کند. در این روش تحلیل‌گر ابتدا

1- narrative

2- Ultra- Social Phenomena

در مرحله اول، با عمق و گستره محتوایی داده‌های موجود آشنا شده و پس از آن اقدام به کدگذاری¹ واحدهای تحلیل، مضامین، می‌کند. این کدگذاری می‌تواند به روش دستی یا با برنامه‌های نرم‌افزاری انجام شود که در این تحقیق روش دستی مورد استفاده قرار گرفت و در مرحله سوم، در واقع تحلیل کدها شروع شد تا مجموعه‌ای از مضمون‌ها به دست بیاید. در مرحله چهارم، مجموعه مضمون‌های ایجاد شده مورد بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به مضمون‌های اصلی و فرعی است. در مرحله پنجم، مضمون‌های اصلی که برای تحلیل ارائه شده، تعریف شده و مورد بازبینی مجدد قرار می‌گیرد و سپس داده‌های داخل آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد و مرحله پایانی زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از مضامین اصلی کاملاً انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای تحقیق را در اختیار داشته باشد، این مرحله شامل مرحله تحلیل پایانی و نگارش گزارش است (براون و کلارک، 2006: 86-87).

4. چهارچوب نظری

برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش از روش تحلیل محتوای براون و کلارک (2006) استفاده شده است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، 2006: 77-78). در این پژوهش واحد تحلیل داده‌ها، مضامین² موجود در یادداشت‌های خودکشی است. مضامینی که بر مبنای آن کدگذاری صورت گرفت، مبتنی روش قیاسی که از مولفه‌های استخراج شده در تحقیقات انجام گرفته توسط اوگلیوی³، استون⁴ و اشنیدمن، لانگر⁵، اسکورفیلد⁶ و فینچام⁷، مک‌کلند⁸ و دیگران و آئون⁹ و دبوسکا¹⁰ (اوگیولی، استون و اشنیدمن، 1966: 529؛ لانگر، اسکورفیلد و فینچام، 2008: 304؛ مک‌کلند و دیگران، 2000: 230؛ آئون، دبوسکا، 2014: 154) استفاده شده است و همچنین روش استقرایی که با بررسی یادداشت‌های موجود در این تحقیق استخراج گردیده است. مجموعاً هجده کد مورد استفاده قرار گرفت و نتایج برخی کدها به دلیل قرابت معنایی تلفیق شد و در نتیجه پانزده مضمون مشخص گردید. در این تحلیل، مضامین بر اساس مفاهیم و سلسله مراتب¹¹ در

1 - کدگذاری (coding) به فرایندی از تحلیل اشاره دارد که از خلال آن مفاهیم تشخیص داده شده، ابعاد و خصوصیات آن در داده‌ها کشف می‌گردد. (ایمان، محمدیان، 1387: 42)

2- «مضمون‌ها پرارزشتترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مد نظر قرار گیرند و منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. این مضمون‌ها فضای خاص و مشخصی را اشغال نمی‌کنند، چون یک جمله ممکن است چند مضمون داشته باشد و یا چند پاراگراف متن، ممکن است فقط یک مضمون داشته باشد (به نقل از معروفی و یوسف زاده، 1388: 136).

3- Ogilvie, D. M

4- Stone, P. J

5- Langer, S

6- Scourfield, J

7- Fincham, B

8- McClelland, L

9- Ioannou, M

10- Debowska, A

11- با عنایت به روش‌های متنوع به کاررفته در تحلیل مضمون توسط صاحب‌نظران این حوزه، طبقه‌بندی‌های مختلفی برای مضامین وجود دارد. برخی مضامین را بر اساس ماهیت (کینگ و هاروکس، 2010: 153) و برخی

سه گروه اصلی، تحت عناوین مفاهیم انتزاعی¹، مفاهیم عینی² و ارجاعات به مفاهیم عینی طبقه‌بندی شدند. گروه مفاهیم انتزاعی دارای زیرگروه احساسات انتزاعی است که این زیرگروه به هفت مضمون اصلی¹- عبارات و ادعاهای عاشقانه و بکاربردن عبارات محبت‌آمیز²- عذرخواهی و طلب بخشش از دیگران³- سرزنش خود و احساس گناه⁴- ناامیدی از زندگی و احساس عجز و ناتوانی در غلبه بر مشکلات⁵- سپاس‌گزاری و تمجید از دیگران⁶- خشم و پرخاش‌جویی و⁷- انتقاد نسبت به دیگران بود. گروه ارجاعات انتزاعی نیز به چهار مضمون¹- ارجاعات به مسائل متافیزیکی مثل خدا، بهشت، جهنم، فرشته و...²- ارجاعات به مفاهیمی مثل مرگ، وفات³- ارجاعات به مفاهیمی مثل تقدیر، زندگی، جهان، روزگار و⁴- مفاهیم دعایی و آرزویی منشعب شد که آخرین مضمون آن به سه مضمون فرعی تقاضای آمرزش گناهان، طلب دعا از افراد یا دعا برای آنان و آرزو داشتن تقسیم‌بندی شد. گروه مفاهیم عینی به دو مضمون اصلی اطلاعات³ و دستورالعمل‌ها⁴ تقسیم بندی شد که مضمون اول به سه مضمون فرعی¹- ارجاعات به اشیاء، انسان‌ها و مکان‌ها و²- ارجاعات به اصطلاحات مالی مثل اسناد مالی، بیمه و ...³- ارجاعات به خودکشی و روش آن و مضمون دوم به چهار مضمون فرعی؛¹- دستورالعمل مالی،²- دستورالعمل احساسی،³- دستورالعمل تجویزی و⁴- دستورالعمل صرف یا خواسته⁵ و گروه ارجاعات عینی به دو مضمون اصلی¹- ارجاعات به اشخاص اعم از خانواده و سایر وابستگان و²- خداحافظی و وداع با وابستگان تقسیم‌بندی شد که نتیجه آن ایجاد 26 مضمون اصلی و فرعی در تحلیل مضمونی بود.

دو ارزیاب با مدرک دکتری و ارشد رشته زبان‌شناسی اعتبار‌کدگذاری‌ها را ارزیابی کردند. ارزیابان با توجه به دستورالعمل‌های تعیین نوع محتوا و تعاریف آنها و با استفاده از پنج جفت یادداشت‌های خودکشی واقعی که مربوط به این تحقیق نبود، آموزش دیدند تا از طریق ارزیابی یادداشت‌های این تحقیق پایایی تحلیل‌های مضمونی مورد ارزیابی قرار گیرد که با توجه به مطابقت کامل کدگذاری‌های محقق با نتایج ارزیاب‌ها، پایایی این تحلیل‌ها قابلیت اطمینان بیش از 98 درصد را نشان داد.

در این پژوهش محدودیت‌های بسیاری وجود داشت، مانند عدم دسترسی به یادداشت‌های خودکشی؛ به خاطر محدودیت‌های سخت‌گیرانه دسترسی به اطلاعات پرونده‌ها. از سوی دیگر نمونه یادداشت‌های خودکشی موجود با توجه به درصد پایین وقوع خودکشی نسبت به کل پرونده‌های مرگ مشکوک خود نیز مزید بر این محدودیت‌ها شده بود به گونه‌ای که محقق با بررسی بیش از 2000 پرونده مرگ مشکوک، موفق به دستیابی به 41 یادداشت خودکشی در این پرونده‌ها شد که در بین این یادداشت‌ها 30 مورد در پردازش اولیه قابل استفاده جهت تحقیقات علمی بود.

1.4. مفاهیم عینی و انتزاعی

بر اساس جایگاه و سلسله مراتب (کینگ، 2004: 258) آن‌ها دسته بندی کرده‌اند (به نقل از حسن عابدی و همکاران، 1390: 159-160).

- 1- objective
- 2- subjective
- 3- Information
- 4- Instruction
- 5- Demand

پیش از بیان ارائه و تحلیل داده‌ها، ضروری است تعریفی از مفاهیم عینی و ذهنی که براساس آنها، تحلیل محتوای مضمونی یادداشت‌ها طبقه‌بندی گردیده است، ارائه گردد.

1.1.4. مفاهیم عینی

مفاهیم عینی همین فضایی است که از طریق حواس درک می‌شود و تجربی است؛ مثل تجربه ما از فضا، آب، برق و رویدادهای حسی که مستلزم حرکت هستند و بر روی واقعیت‌هایی در محیط پیرامون ما تاثیر دارند و اثری عینی برجای خواهند گذاشت. (محمدی و سلیمانی، 1398؛ ص 36)

2.1.4. مفاهیم انتزاعی

در مقابل مفاهیم عینی، مفاهیم انتزاعی قرار دارند که برگرفته از ذهن انسان است و در عالم واقع نمونه‌ای ندارد و بر رابطه بین چند مفهوم ساده دلالت دارند مانند؛ مفاهیم فیزیکی مثل دما، سرما و مفاهیم کلامی مانند؛ اسم، فعل و قید و مفاهیم شیمیایی مثل؛ فلز، باز و قلیا (همان، ص 26). این مفاهیم که به دلیل فقدان بعد فیزیکی به سختی قابل درک هستند، مثل احساسات هر انسانی که نمود عینی ندارد مثلاً احساس خوشبختی، گرسنگی و تشنگی، مفاهیمی انتزاعی هستند و یا تجربه تصاویر حسی (رنگ‌ها، صداها، طعم‌ها، بوها و احساسات) به کار می‌رود. بهترین راه شناخت این مفاهیم از طریق بیان مصادیق آنها در عالم مادی است (شاه مرادی، 1374، ص 26).

2.4. مفاهیم انتزاعی

با بررسی یادداشت‌ها، این مفاهیم به دو زیرگروه احساسات و ارجاعات انتزاعی تقسیم‌بندی شد. با توجه به تعریف مفاهیم انتزاعی مفاهیم احساسی همچون ناامیدی، سرزنش خود، گناه و شرم و... همگی مفاهیمی انتزاعی تلقی می‌شوند؛ چراکه در عالم خارج وجود نداشته و ما به اعتبار کلمات به آنها موجودیت بخشیده‌ایم. از این رو احساسات موجود در یادداشت‌ها را به عنوان زیر گروه مفاهیم انتزاعی در نظر می‌گیریم.

1.2.4. احساسات

درخصوص زیرگروه احساسات با توجه به اینکه برخی از محتواهای موجود در یادداشت‌ها نشان دهنده نوعی از احساسات متوفی بود که در قالب داده‌های زبانی بیان می‌شد، بهترین ویژگی که در قالب آن، این محتوا را می‌توان آشکار ساخت، تقسیم‌بندی آن به هفت گروه احساسات اصلی بود که در روش تحقیق بیان شد و برگرفته از چرخه احساسات رابرت پلاتچیک (پلاتچیک، 1980: 12) است.

2.2.4. ارجاعات انتزاعی

زیرگروه ارجاعات انتزاعی همان طور که از نامش پیداست ارجاع به مفاهیم انتزاعی است که به چهار مضمون اصلی؛ ارجاعات به مسائل متافیزیکی مثل خدا، بهشت، جهنم، فرشته و...، به عنوان مثال متوفی می‌نویسد: مثال شماره 1: «عادل تراز خدا سراغ ندارم»، مثال شماره 2: «فقط به خدا واگذار کنید». ارجاعات به مفاهیمی مثل مرگ، وفات، ارجاعات به مفاهیمی مثل تقدیر، زندگی، جهان و روزگار مثال شماره 3:»

بروخوش باش که دنیا دو روزه»، مثال شماره 4: «ولی دنیا برامون همش ساز مخالف میزنه» و مفاهیم دعایی و آرزویی. متوفی در یادداشتش می نویسد: مثال شماره 5: «مادرم تونم ازات برام دعاکن»، مثال شماره 6: «ایشالا همیشه سلامت باشی» و مثال شماره 7: «برای من دعا کن» تقسیم می‌شد.

5. ارائه و تحلیل داده‌ها

داده های حاصل از کدگذاری، 26 مضمون اصلی و فرعی را ارائه داد. این مقاله صرفاً به 15 مضمون اصلی به لحاظ فراوانی و آزمون معناداری از حیث تکرار پذیری می‌پردازد. مضامین 15 گانه در سه گروه مفاهیم انتزاعی، مصادیق عینی و ارجاعات عینی تقسیم‌بندی شد. در ادامه هر یک از مضمون‌های اصلی را بدون توجه به بسامد وقوع، بر اساس دسته‌بندی مفهومی و به همراه مثال‌هایی عینی از یادداشت‌ها مورد بررسی توصیفی زبانی قرار می‌گیرد.

1.5. مضمون اول؛ احساس عشق‌ورزی به شریک زندگی و بیان کلمات محبت آمیز به نزدیکان

در این مضمون، نتایج با دوکد به شماره‌های 1 و 11 جمع‌آوری و به دلیل همپوشانی، این کدها در هم ادغام شد و تحت عنوان یک مضمون بیان شد. در این مضمون متوفی اقدام به بیان احساسات گرم، صمیمی و خالصانه خود در قالب عبارات و ادعاهای عاشقانه در مورد همسر یا معشوقه خود می‌نماید که غالباً با بکاربردن کلماتی مثل عشقم، عزیزم، محبوبم، دلبندم، عزیز دلم و... بروز پیدا می‌کند. در یادداشتی متوفی به همسر خود این گونه ابراز عشق می‌کند مثال شماره 8: «سلام به عشق پاک و زلالم» یا ادعای عاشقی خود را اینگونه بیان می‌کند مثال شماره 9: «من عاشقت بودم و از ته دل دوست داشتم»، مثال شماره 10: «هرچی بیشتر می‌گذره می فهم نبودنت مرگمه» که در مجموع کل یادداشت‌ها درصد فراوانی وقوع آن 63/20 درصد از یادداشت‌ها را به خود اختصاص داد.

2.5. مضمون دوم؛ عذر خواهی و شرم و طلب بخشش از دیگران

در این مضمون که با کد شماره 2 کد گذاری شد، این مضمون با کلماتی مانند ببخشین، شرم‌منده‌ام، حلالم کنین عذرخواهم و عباراتی که از آن تقاضای بخشش از خانواده، دوستان و خدا استنباط می‌شد. مثال شماره 11: «پدر هیچ وقت نمی‌تونم محبتاتو جبران کنم»، مثال شماره 12: «لطفاً تو و پدرم از من راضی باشید»، مثال شماره 13: «ببخش اینقدر رنج‌ندمت جوانی کردم» و مثال شماره 14: «به خدا شرم‌منده، نتونستم پسر خوبی براتون باشم» در یادداشت‌ها مشاهده شد که در مجموع کل یادداشت‌ها، فراوانی وقوع آن 46/6 درصد بود.

3.5. مضمون سوم؛ سرزنش کردن خود و احساس گناه

در این مضمون که با کدهای شماره 3 و 5 کد گذاری شد، به دلیل همپوشانی، نتایج ترکیب و تحت عنوان یک مضمون بیان شد. این مضمون با کلماتی مثل بی‌لیاقتم، بدم،

بی‌عرضه‌ام، گناهکارم و گناه من بود و جملاتی که نشان دهنده پذیرش تقصیر و گناهکار قلمداد نمودن خود فرد است، مثال شماره 15: «قدر زحمات شما رو ندونستم، ای کاش درست تصمیم می‌گرفتم»، مثال شماره 16: «جوانی کردم، نادان بودم»، مثال شماره 17: «ولی منه بی لیاقت هیچی واسه جبران ندارم» و «فرزند خلفی نبودم، واسه همه کسر شأن بودم» در یادداشت‌ها مشاهده شد که در مجموع کلّ یادداشت‌ها، درصد فراوانی وقوع آن 33/33 بود.

4.5. مضمون چهارم؛ ناامیدی از زندگی و اظهار عجز و ناتوانی

در این مضمون که با کد 4 شماره‌گذاری شد. کلماتی مثل ناامیدم، نمی‌تونم، تحمل ندارم، کم آوردم، خسته شدم و... و جملاتی که حاوی عباراتی مثل من دیگه تحمل ندارم، دیگه هیچ کسی نمی‌تونه به من کمک کنه، یا از فحواي جمله می‌توان به حس ناامیدی نویسنده پی برد، در یادداشت‌ها مشاهده شد؛ مثال شماره 18: «سر سوزنی برای زنده موندنم تلاش نکنی»، مثال شماره 19: «چاره‌ای نداشتم چون هیچ کس درکم نمی‌کرد» مثال شماره 20: «دیگه خسته شدم دیگه چقدر، دیگه دارم از بین میرم» که می‌توان ناامیدی و عجز او را به وضوح مشاهده کرد. در مجموع کلّ یادداشت‌ها فراوانی وقوع آن 53/33 درصد بود.

5.5. مضمون پنجم؛ سپاسگزاری و تمجید از دیگران

در این مضمون که با کد شماره 6 کدگذاری شد با به‌کاربردن کلمات و جملاتی که نشان از سپاس‌گزاری فرد از دیگران باشد، توسط متوفی بیان می‌شد؛ مثال شماره 21: «ممنونم ازت، لطف کردی، نمی‌دونم چطوری جبران زحماتت رو بکنم»، مثال شماره 22: «پدر هیچوقت نمی‌تونم محبتات رو جبران کنم مرد تر از تو، تو این دنیا ندیدم» مثال شماره 23: «کم نداشتی تو نور چشم منی» و مثال شماره 24: «توم بهترین مادر دنیا بودی» که در مجموع کلّ یادداشت‌ها، کمترین درصد فراوانی وقوع در بین بقیه کدها را داشت و 10 درصد از یادداشت‌ها را به خود اختصاص داد.

6.5. مضمون ششم؛ خشم و پرخاش‌جویی

این مضمون با کد شماره 7 کدگذاری شد. در این مشخصه فرد با به‌کاربردن کلمات و جملاتی خشم خود را از دیگری یا از واقعه‌ای نشان می‌دهد: متنفرم، وحشی، بدجنس و جملاتی مثل، اون آدم خیلی وحشی است، مامان ازت متنفرم و... «هر طوری تونستی بکشش» متوفی در یادداشتی می‌نویسد: مثال شماره 25: «گریه نکن مادر تو منو کشتی به همسرم هیچ موقع نمی‌بخشمت»، مثال شماره 26: «ای آدم یک وحشی به تمام معناست به هر طریقی تونستی بکشش برو فریمان از محمود تفنگ بگیر بکشش» و مثال شماره 27: «امان از دست این زن نافرمان و بدجنس. هیچ گونه خلاصی ندارم. مثل کنه به من چسبیده نه زندگی می‌کنه نه طلاق میگیره و من هم زورم به خودم میرسه» این مضمون را در یادداشت‌ها بکار می‌بردند که در مجموع کلّ یادداشت‌ها، فراوانی وقوع آن 13/33 درصد از یادداشت‌ها بود.

7.5. مضمون هفتم؛ انتقاد نسبت به دیگران

در این مضمون که با کد شماره 12 کدگذاری شد، نویسنده با به کار بردن کلمات یا جملاتی از همسر و وابستگان نزدیک خود گله و شکایت می‌کند. این انتقادات می‌تواند با ابراز خشم نسبت به مخاطب خود، بیان انتقاداتی صرف از وی یا بیان سخن‌هایی طعنه‌آمیز و ابراز گلایه از او باشد. به عنوان مثال متوفی این گونه می‌نویسد: مثال شماره 28: «تو از اول با من تفاهم نداشتی، چه جوری دلت اومد منو سه روز تنها بزاری»، مثال شماره 29: «من تو این چند سال کلفتی شما رو می‌کردم... من برم شما راحت بشین» که غالباً با خشم و تنفر نیز همراه می‌گردد که در مجموع کلّ یادداشت‌ها فراوانی وقوع آن 33/33 درصد بود.

1.8.5. مضمون هشتم؛ ارجاعات به مسائل متافیزیکی

در این مضمون که با کد شماره 10 کدگذاری شد متوفی به کلماتی مثل خدا، فرشته، شیطان، آخرت، جهنم و جملاتی که حاوی این کلمات بود، اشاره می‌کرد. مثال شماره 30: «ای خدا مگه من ازت چی خواستم»، مثال شماره 31: «خدایا سرده این پایین از اون بالا آگه میشه نگاه کنی» و به عبارت دیگر، مسائل متافیزیکی، اشاره داشت که در مجموع کلّ یادداشت‌ها فراوانی آن 40 درصد بود.

2.8.5. مضمون نهم؛ ارجاعات به مفاهیمی مانند مرگ

این مضمون که با کد شماره 16 کدگذاری شد. در این مضمون متوفی به کلماتی مثل مرگ، مردن، خاک، سنگ قبر و... اشاره می‌کرد و یا جملاتی که حاوی این کلمات و مضامینی که به مرگ و مسائل پیرامونی آن اشاره داشت، به عنوان نمونه متوفی می‌نویسد: مثال شماره 32: «مرگ یه چیزی که ممکنه اتفاق بیفته»، مثال شماره 33: «مرا در بهشت رضا دفن کنید» و مثال شماره 34: «همیشه می‌مردم و زنده می‌شدم» استفاده می‌کرد. که در مجموع کلّ یادداشت در صد فراوانی وقوع آن 56 درصد بود.

3.8.5. مضمون دهم؛ ارجاعات به مفاهیمی مانند تقدیر، زندگی، جهان، روزگار

این مضمون که با کد شماره 15 کدگذاری شد، در بردارنده کلماتی مثل روزگار، سرنوشت، زندگی، دنیا و مسائلی پیرامون آن بود و نویسنده به گلایه، انتقاد و بیان نظر درباره این مفاهیم می‌پرداخت یا تقصیر را به گردن آنها می‌انداخت متوفی درجایی می‌نویسد: مثال شماره 35: «از جوانیم گله دارم»، مثال شماره 36: «دنیا برامون همش ساز مخالف میزنه» مثال شماره 37: «همه جور از زندگی از دنیا کشیدیم» و مثال شماره 38: «خیلی درد کشیدیم که این زندگی رو ساختم» که در مجموع کلّ یادداشت‌ها فراوانی آن 33/33 درصد بود.

4.8.5. مضمون یازدهم؛ مفاهیم داعی و آرزویی

این مورد با کد شماره 17 مشخص شد. یادداشت‌های این گروه را می‌توان به مضمون‌های فرعی همچون 1-طلب دعا و استغفار برای دیگران 2-طلب دعا از دیگران (التماس دعا) 3-طلب آمرزش گناهان از خداوند و 4-داشتن آرزو تقسیم‌بندی

کرد. این مضامین فرعی هم با عدد 17 کدگذاری شد، اما در اینجا همه آنها در ذیل مضمون یازدهم طبقه‌بندی گردید که در مجموع کلی یادداشت‌ها فراوانی آن 46/66 درصد بود.

9.5. گروه دوم؛ مفاهیم عینی

مفاهیم عینی در یادداشت‌ها بیان‌کننده واقعیت‌های عینی موجود در دنیای اطراف ماست که مورد اشاره متوفی قرار می‌گیرد تا بدینوسیله به تشریح و تبیین این موقعیت‌ها برای بازماندگان خود پردازد؛ مانند ذکر اشیاء، مکان‌ها، اشخاص و حودث و رخداد‌های جهان بیرون. گروه مفاهیم عینی به دو زیرگروه مصادیق و ارجاعات عینی تقسیم‌بندی شد که در زیرگروه مصادیق عینی، مضامین اصلی، اطلاعات¹ و دستورالعمل‌ها² و در زیرگروه ارجاعات عینی نیز مضامین، ارجاعات به اشخاص اعم از خانواده و سایر افراد و خداحافظی و وداع با دیگران، قرار گرفت.

1.9.5. مصادیق عینی

مصادیق عینی، نمونه‌هایی از مفاهیم عینی هستند که متوفی را در بیان مفاهیم عینی کمک می‌کنند و در اینجا پرکاربردترین مصادیق مورد استفاده در یادداشت‌ها در قالب مضامین اصلی اطلاعات و دستورالعمل‌ها تقسیم‌بندی شدند. مضمون اصلی اطلاعات به سه دسته فرعی ارجاعات به اشیاء، انسان‌ها، مکان‌ها، رجاعات به اصطلاحات مالی مانند اسناد مالی، بیمه و ارجاعات به خودکشی و روش آن و مضمون اصلی دستورالعمل‌ها نیز به چهار مضمون فرعی؛ دستورالعمل مالی، دستورالعمل احساسی، دستورالعمل تجویزی و دستورالعمل صرف یا خواسته³ تقسیم‌بندی شد و در نهایت هر مضمون فرعی ذیل مضمون اصلی مرتبط طبقه‌بندی گردید.

1.1.9.5. مضمون دوازدهم؛ اطلاعات

در این مضمون که با کد شماره 9 مشخص شد، نویسنده به بیان موقعیت مکانی فرد یا شی، نام‌بردن از اشیاء، انسان‌ها، اصطلاحات و اسناد مالی، بیان اخباری صرف از موقعیت افراد و یا خود که می‌تواند در قالب بیان دستورالعمل‌های مالی و احساسی، خبری از خودکشی، نحوه انجام آن و ابزار مورد استفاده در آن و یا هشدار وقوع خبری در آینده باشد، می‌پردازد؛ مثلاً در نمونه‌ای از یادداشت‌ها متوفی در بیان دستورالعمل‌هایش به بازماندگان اقدام به ارجاع به اشخاص، اشیاء، اصطلاحات و اسناد مالی می‌کند: مثال شماره 39: «دو کارتن شیر خشک 4 برای دخترگل جگرگوشم آتنا سادات⁵ خریده‌ام که به مادرش تحویل شود»، مثال شماره 40: «بعد از مرگم نصف حقوقم⁶ را به پسر و اگذار می‌کنم و یک قسط دارم بانک کشاورزی سه‌راه فردوسی که ضامنم ماهی

1- Information
2- Instruction
3- Demand

4- ارجاع به اشیاء و لوازم شخصی
5- ارجاع به اشخاص
6- اصطلاح و سند مالی

2270000 هزار تومان که به حساب آقای ... بابت خرید وام ازدواجشان پرداخت گردد» و متوفی دیگر در دستورالعمل‌هایش اشاره به ابزار خودکشی می‌کند، مثال شماره 41: «من یعنی فرزند...، بوسیله سیانور یا همان «پتاسیم سیانید (KCN)»¹ خودکشی کردم» و دیگری به مکان خودکشی اشاره می‌کند، مثال شماره 42: «فقط قبل از دفن، تست اعتیاد بگیرین که نگن زهرماری خورده، بدونن از درد زیاد آخر عامل سرچهارراه کریمی گودبرداری بزرگ² کردن، فقط قولتون فراموش نشه» و متوفای دیگری به علت خودکشی خود اشاره می‌کند؛ مثال شماره 43: «نان از تو فریزر برداری خواهر جان. از دست هانیه خودکشی کردم»³ و دیگری بازماندگان خود را از خطر و تهدیدی در آینده مطلع می‌سازد، مثال شماره 44: «تو رو خدا مواظب باشین. آنیتا و خانوادش خیلی تهدید دارن میکنن. مواظب باشین. تهدید کرده منو، مامانمو، رامینو کاری میکنن. تنها جایی نرین»، مثال شماره 45: «نرگس برق رو قطع کردم شیرهای گاز را واگذاشتم یکهو برق رو روشن نکنی که براتون اتفاقی نیوفته مواظب خودت باش»⁴ که همه این مضامین فرعی در یک مضمون اصلی به نام «اطلاعات» فهرست شد و در مجموع فراوانی آن 26 درصد بود.

2.1.9.5. مضمون سیزدهم؛ دستورالعمل‌ها

این مضمون با کد شماره 8 مشخص شد و حاوی کلمات امری و جملاتی است که غالباً متوفی در آن وابستگان خود را مخاطب قرار می‌دهد و از آنها می‌خواهد که اموراتش اعم از مالی، احساسی و... را بعد از او سامان‌دهی کنند (بیشتر وصایای مالی). این دستورالعمل‌ها را براساس محتوای یادداشت‌های خودکشی می‌توان به مضمون‌های فرعی دستورالعمل‌های صرفاً مالی (وصیت) که حاوی کلمات و جملاتی است که متوفی با آن امور مالی پس از خود را برای بازماندگان تشریح و انجام اعمالی را در راستای سامان بخشیدن به این امور از بازماندگانش در قالب جملاتی امری می‌خواهد، مثال شماره 46: «وصیت می‌کنم بعد از مرگ نصف حقوقم⁵ به پسر⁶ به شماره ملی... که هم‌اکنون با مادرش خانم ... زندگی می‌کند، داده شود». دستورالعمل‌های عاطفی حاوی کلمات و جملاتی است که متوفی توصیه‌هایی را تحت عناوینی مثل جلب حمایت عاطفی برای وابستگان خود یا توصیه به خویش‌نماری آنها پس از مرگش یا توصیه‌های مراقبتی و ... که جنبه امری-احساسی دارد را به افراد خانواده و حلقه دوستان و آشنایان، بیان می‌دارد؛ به عنوان نمونه، مثال شماره 47: «نزار بعد رفتن من مامانم گریه کنه، بشکنه⁸، حواست به خواهر باشه...» و مثال شماره 48: «خواهرم وقتی من مردم، تو

1- ابزار خودکشی

2- مکان خودکشی

3- علت خودکشی

4- تهدید و خطری در آینده

5- اصطلاح مالی و بیان روش سامان دادن به این مال و چگونگی تخصیص آن

6- ارجاع به خانواده

7- در بیان دستورالعمل از فعل امری استفاده شده است.

8- دستورالعملی که در اینجا توسط متوفی داده شده حاوی نکات احساسی و در جلب حمایت یکی از اعضای خانواده است.

فکر من نرو، غصه نخور¹ و دستورالعمل‌های تجویزی که در این مضمون فرعی متوفی با وجودی که به صورت امری دستوراتی را به خانواده خود می‌دهد، اما، در فحوای این امر نوعی تجویز به کاری نهفته است؛ درمثال شماره 49 متوفی خطاب به همسرش می‌گوید: «حالا برو با هرکس که می‌دونی خوشبختت می‌کنه باش و زندگی کن». همه این مضمون‌های فرعی در یک مضمون اصلی به نام «دستورالعمل‌ها» فهرست شد که در مجموع درصد فراوانی آن 83/33 درصد بود.

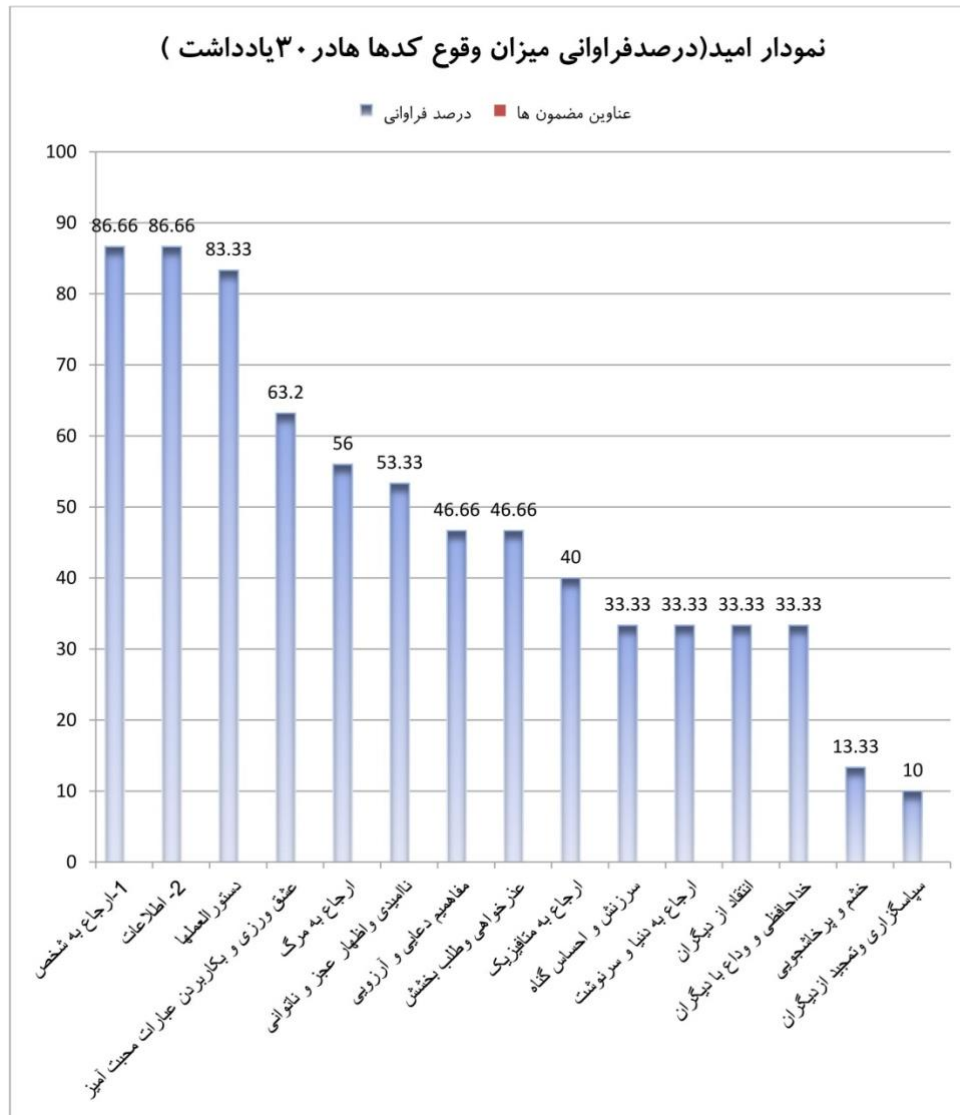
10.5. گروه سوم؛ ارجاعات به مفاهیم عینی

این ارجاع را به عنوان یک فرایند پویای زبانی می‌توان یکی از ویژگی‌های مهم و کاربردی زبان تلقی کرد که همواره مورد استفاده گویندگان زبان برای اشاره به اشخاص، اشیاء، مکان، زمان و یا دیگر موجودیت‌ها و در نهایت ارائه اطلاعاتی در مورد آنهاست (مدنی، 1389: 1). این گروه به دو مضمون اصلی ارجاعات به اشخاص اعم از خانواده و سایر افراد، و خداحافظی و وداع با دیگران تقسیم‌بندی شد.

1.10.5. مضمون چهاردهم؛ ارجاع به اشخاص اعم از خانواده و سایر نزدیکان فرد

این مضمون با کد 13 مشخص شد و فرد با خطاب قرار دادن خانواده خود و وابستگی‌های سخنانی بیان می‌کند که می‌تواند در قالب انتقاد یا تمجید و سپاسگزاری یا ابراز خشم یا بیان دستورالعمل یا درخواست بخشش یا بکاربردن عبارات عاشقانه یا محبت آمیز و یا طلب حلالیت و مسائلی از این دست نسبت به آنها باشد، مثال شماره 50: «..هرچه از من مانده مال بچه‌هامه و با نظارت برادرانم باشه...»، مثال شماره 51: «مرا دربهشت رضا دفن کنید» که درصد فراوانی آن 86/66 درصد از یادداشت‌ها بود و پربسامدترین مضمون در بین مضمون‌های 15 گانه است.

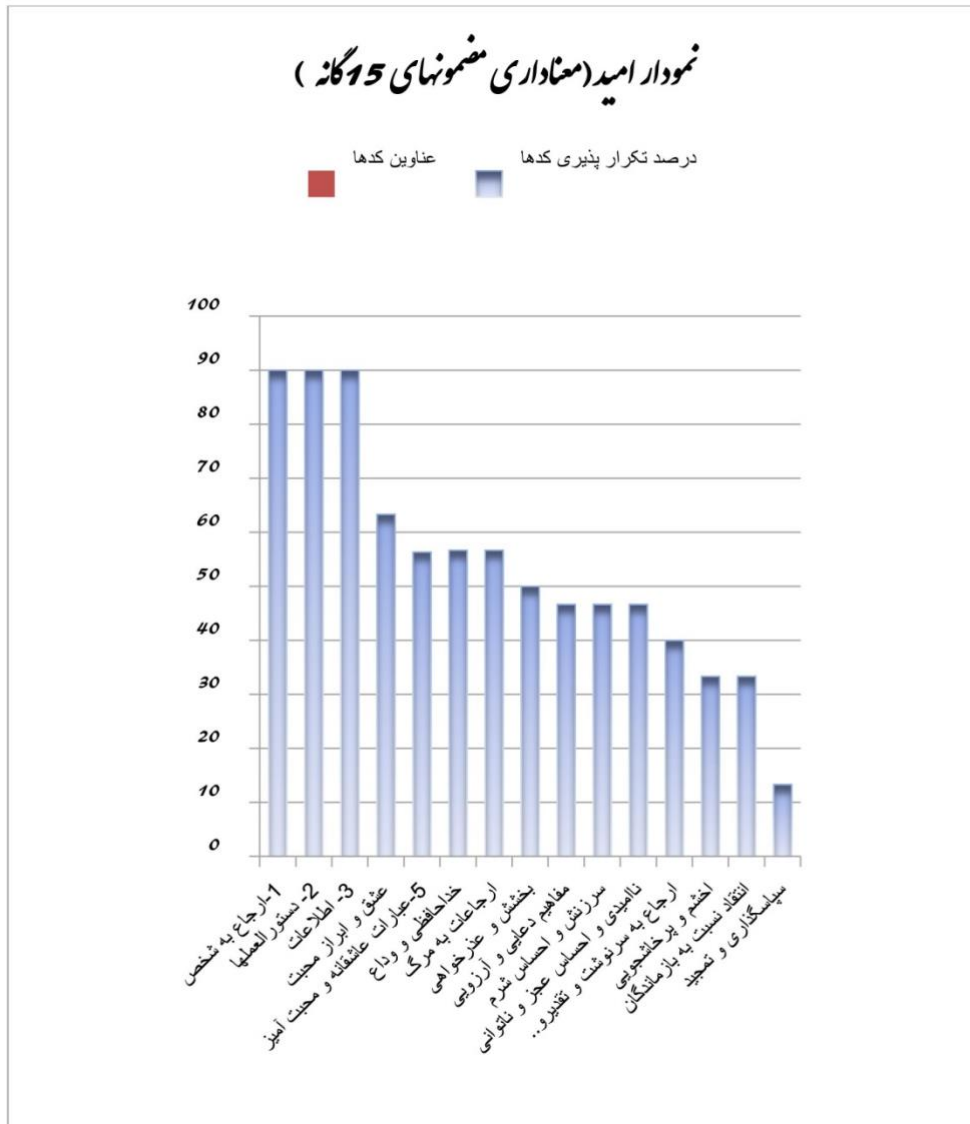
1- دستورالعمل احساسی که حاوی توصیه به خویشتن داری خانواده پس از مرگ اوست .



نمودار 1- درصد فراوانی وقوع مضامین پانزده گانه

2.10.5. مضمون پانزدهم؛ خدا حافظی و وداع با خانواده و وابستگان

در این مضمون که با کد شماره 18 کدگذاری شد متوفی با بکار بردن کلماتی مثل خدا حافظ، دیدار به قیامت و امضاء در انتهای یادداشت با خانواده و وابستگان خود وداع می‌کند. به عنوان مثال در یکی از یادداشت‌ها متوفی بیان می‌دارد مثال شماره 52: «خدا حافظ همگی به روزی بالاخره همه می‌میرن»، مثال شماره 53 «عشق زندگی دوست دارم * امضا * ساعت 02:20 دقیقه شب پنج شنبه» که در مجموع کل یادداشت‌ها فراوانی آن 33/33 درصد بود.



نمودار 2 - معناداری مضامین پانزده گانه

6. نتیجه‌گیری

بسامد وقوع مضامین و فراوانی یادداشت‌های خودکشی مورد مطالعه در شهر مشهد مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های پژوهش نشان داد بیشترین فراوانی در مضامین، مربوط به مضمون هشتم یعنی دستورالعمل‌هایی برای بازماندگان اعم از عاطفی و مالی بود که در 86/66 درصد از یادداشت‌ها گزارش شده است. اما، این نتایج، متفاوت با

تحقیق‌های مشابه فاستر، 2003: 326؛ لازاریوز، داگلاس و سخسا، 2018: 152 به ترتیب در ایرلند شمالی و آفریقای جنوبی است که دستورالعملها را در 36 و 23 درصد یادداشت‌ها گزارش داده‌اند. اما، یافته‌های فاستر، 2003، لازاریوز، داگلاس و لنگر، اسکورفیلد و فینچام، 2008: 304 از جهت بسامد وقوع مضمون با این تحقیق همسو است.

مضمون نهم، اطلاعات، با درصد فراوانی 86/66 و مضمون سیزدهم، ارجاعات به خانواده و وابستگی با فراوانی 83/33 منحصر به این تحقیق بود و در تحقیقات مشابه مورد بررسی قرار نگرفته است. درصد تکرار مضامین هشتم، نهم و سیزدهم پس از آزمون دو جمله ای نود درصد تکرارپذیری را در جامعه آماری نشان داد.

مضمون یک، عشق ورزیدن به همسر و به‌کاربردن عبارات محبت آمیز نسبت به خانواده، درصد فراوانی 63/20 را نشان داد که در تحقیق (فاستر، 2003، ص 327) 60 درصد یادداشت‌ها حاوی این مضمون بود داگلاس و سخسا (2018) در 64 درصد یادداشت‌ها گزارش شد. نتایج، گواه بر همسویی تحقیقات در فراوانی وقوع این مضمون با این تحقیق است. مضمون دوم، عذرخواهی و بخشش خواستن از بستگان، در مطالعه حاضر 46/66 درصد یادداشت‌های خودکشی را به خود اختصاص داد. در یافته‌های مشابه، (گیردار و همکاران، 2004، ص 182؛ داگلاس و سخسا، 2018، ص 153) به ترتیب در 56 درصد و 34 درصد از یادداشت‌ها گزارش شد که متفاوت با این یافته‌ها بود، اما در تحقیق فاستر (2003) که مضمون دوم و سوم را با هم تلفیق کرده بود 74 درصد فراوانی را به خود اختصاص داد که در این تحقیق هم در صورت تلفیق این دو مضمون نتیجه ای مشابه با تحقیق اخیر خواهیم داشت. در این تحقیق، مضمون چهارم، ناامیدی از زندگی و اظهار عجز و ناتوانی، به لحاظ فراوانی وقوع مضمون، در 53/33 از یادداشت‌ها مشاهده شد که تقریباً با نتیجه تحقیقات فاستر (2003) و هو و همکاران (1998، ص 471) که به ترتیب 60 و 57 درصد از یادداشت‌ها حاوی این مضمون بودند، مشابهت داشت. مضمون هفت، خشم و پرخاش جویی، در 13/33 درصد از یادداشت‌ها مشاهده شد که در تحقیق گیردار و همکاران (2004) در 10 درصد از نمونه‌های یادداشت‌های هندی دیده شد (همان: 183) و با سایر تحقیق‌ها مشابهت چندانی مشاهده نگردید. مضمون دهم، ارجاعات به مسائل متفاوتی، 40 درصد نمونه‌ها را به خود اختصاص داد. در تحقیق لازاریوز و همکاران (2014) این مضمون تحت عنوان «باورهای معنوی» طبقه‌بندی و در 30 درصد از یادداشت‌ها گزارش شد و در سایر تحقیقات مشابه این مضمون دیده نشد (گیردار و همکاران، 2004، ص 183 اوکانر و لینارس، 2004، ص 341) مضمون دوازدهم، انتقاد نسبت به همسر و دیگران، بود که در 33/33 درصد از یادداشت‌ها مشاهده شد که منحصر به این تحقیق است. مضامین نهم و دهم، به ترتیب عبارت بودند از؛ ارجاعات به مفاهیمی مثل مرگ و وفات، ارجاعات به مفاهیمی مثل تقدیر، جهان و روزگار که در 56 و 33/33 درصد از یادداشت‌ها مشاهده گردید که در سایر تحقیقات مشابه مورد بررسی قرار نگرفته است. مضمون یازدهم، مفاهیم داعی و آرزویی بود که 46/66 درصد از یادداشت‌ها را به خود اختصاص داد و در تحقیقات (لازاریوز و همکاران، 2014؛ گیردار و همکاران، 2004؛ فاستر، 2003)، به ترتیب 31، 56 و 74 درصد از یادداشت‌ها را به خود اختصاص دادند که تنها در وقوع

این مضمون دارای مشابهت با تحقیق حاضر هستند. مضمون پانزدهم، خداحافظی و وداع با وابستگان، در 50 درصد از یادداشت‌ها مشاهده شد که در تحقیق سنجر و ویچ (2008) در 64 درصد از یادداشت‌ها در تایید پایان رابطه از بستگان همراه بود (همان: 356) و مضمون ششم، سپاس‌گزاری و تمجید از دیگران، دارای 25 درصد فراوانی وقوع در یادداشت‌ها بود که کمترین میزان فراوانی در یادداشت‌های خودکشی بود و بررسی آن منحصر به این تحقیق است. آنچه این تحقیق را از تحقیقات مشابه خود در سطح بین‌المللی متمایز می‌سازد، بررسی سطح معناداری فراوانی مضامین و شناسایی مضامین ارجاع به اشخاص، دستورالعملها و اطلاعات با نود درصد تکرار پذیری در جامعه آماری است که می‌تواند به عنوان یک قرینه به همراه سایر قرائن و امارات موجود در صحنه جرم، مقام قضایی را در جهت تشخیص اصالت یا ساختگی بودن یادداشت‌های خودکشی و به تبع آن صدور تصمیم نهایی درست، یاری رساند. پیشنهاد می‌شود با بررسی یادداشت‌های خودکشی ساختگی در کنار نتایج این تحقیق، دستاوردهایی کامل‌تر در جهت تشخیص یادداشت‌های واقعی از ساختگی ارائه داد تا مقام قضایی را به عنوان یکی از امارات قضایی در صدور تصمیم نهایی یاری رساند.

کتابنامه

1. ایمان، محمدتقی، محمدیان، منیژه. (1387). *روش‌شناسی نظریه بنیادی. روش‌شناسی علوم انسانی* (حوزه و دانشگاه)، 14 (56)، 31-54.
2. شاه مرادی، احمد. (1374). *نظریه‌های آموزشی و روش‌های کاربردی*، مجله رشد معلم، شماره 114، 24 تا 28.
3. حبیبی، آر.ش. (15 خرداد، 1398)، *آزمون دو جمله ای چیست؟* برگرفته از سایت، <https://parsmodir.com/statistics/binomial.php>
4. *عصر ایران*، (20 شهریور، 1399)، *آخرین آمار خودکشی ایران*، برگرفته از سایت <https://www.asriran.com/fa/news>
5. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ زاده، محمد (1390)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم، 151-198.
6. محمدی، مرجان، سلیمانی، بهزاد. (1398). *بررسی مفاهیم ذهنی و تاثیر آن در خلق فضاهای عینی هنر. هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)*، 24 (1)، 29-38.
7. مدنی، داود، (1389)، ارجاع در زبان فارسی از منظر کلامی و شناختی، *فصلنامه اندیشه‌های ادبی*، دوره دوم، شماره 5، صص 1-23.
8. معروفی، یحیی و یوسف زاده، محمد رضا (1388) *تحلیل محتوا در علوم انسانی*. همدان: سپهر دانش.
9. Ault, R. L., Hazelwood, R. R., & Reboussin, R. (1994). Epistemological status of equivocal death analysis. *AMERICAN PSYCHOLOGIST*, 49(1), 72-73

10. Black, S. T. (1993). Comparing genuine and simulated suicide notes: A new perspective. *JOURNAL OF CONSULTING AND CLINICAL PSYCHOLOGY*, 61(4), 699-702
11. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101
12. Bennell, C., Jones, N. J., & Taylor, A. (2011). Determining the authenticity of suicide notes: Can training improve human judgment? *Criminal Justice and Behavior*, 38(7), 669-689
13. Canter, D. (2005). Suicide or Murder?: Implicit Narratives in the Eddie Gilfoyle Case (From Forensic Psychologist's Casebook: *Psychological Profiling and Criminal Investigation*, P 315-333, 2005, Laurence Alison, ed.--See NCJ-210952)
14. Darkes, J., Otto, R., Poythress, N., & Starr, L. (1993). APA's expert panel in the congressional review of the USS Iowa incident. *American Psychologist*, 48, 5-15.
15. Edelman, Ann M. & Renshaw, Steven L. (1982). "Genuine versus Simulated Suicide Notes: An Issue Revisited Through Discourse Analysis". *Suicide and Life Threatening Behaviour*. 12(2), 103-113.
16. Etkind, Marc. (1997). ... Or Not To Be: *A Collection of Suicide Notes*. The Berkley Publishing Company, New York: Riverhead Books
17. Gottschalk, L. A., & Gleser, G. C. (1960). An analysis of the verbal content of suicide notes. *British Journal of Medical Psychology*, 33, 195-204.
18. Giles, S. P. (2007). *The final farewell: Using a narrative approach to explore suicide notes as ultra-social phenomena* (Doctoral dissertation, University of Liverpool)
19. Gregory, A. (2018). The decision to die: The psychology of the suicide note. *In Interviewing and deception* (pp. 127-156). Routledge
20. Ho, T. P., Yip, P. S. F., Chiu, C. W. F., & Halliday, P. (1998). Suicide notes: What do they tell us? *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 98, 467-473.
21. Hannah Ritchie, Max Roser and Esteban Ortiz-Ospina (2015) - "Suicide". *Published online at OurWorldInData.org. Retrieved from: 'https://ourworldindata.org/suicide'* [Online Resource]
22. Olsson, J. (2008). *Forensic linguistics*, 2nd Edition. London: Continuum.p.8
23. Olsson, J. (2004). *Forensic linguistics: An introduction to language, crime, and the law*. London-New York: Continuum.p.67
24. Ogilvie, D. M., Stone, P. J., Shneidman, E. S., & Stone, P. J. (1966). *Some characteristics of genuine versus simulated suicide notes* (pp. 527-535). Cambridge, MA: MIT Press

25. Plutchik, R. (1980). *A general psychoevolutionary theory of emotion. In Theories of emotion* (pp. 3-33). Academic press.
26. World Health Organization. (2014). *Preventing suicide: A global imperative*. World Health Organization.
27. Ioannou, M., & Debowska, A. (2014). Genuine and simulated suicide notes: An analysis of content. *Forensic science international*, 245, 151-160.
28. Koehler, S. A. (2007). The role of suicide notes in death investigation. *Journal of forensic nursing*, 3(2), 87-89.
29. Lazarides A, Wassenaar DR, Sekhesa T. A thematic content analysis of suicide notes from South Africa. *South African Journal of Psychology*. 2019;49(1):148-159.
30. Langer, S., Scourfield, J., & Fincham, B. (2008). Documenting the quick and the dead: A study of suicide case files in a coroner's office. *The Sociological Review*, 56(2), 293-308- p – 304
31. Leenaars, A. A. (1996). Suicide: A multidimensional malaise. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 26(3), 221-236
32. Leenaars, A. A., & Balance, W. D. G. (1984). A logical empirical approach to study of suicide notes. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 16, 249-256.
33. McClelland, L., Reicher, S., & Booth, N. (2000). A last defence: The negotiation of blame within suicide notes. *Journal of community & applied social psychology*, 10(3), 225-240.
34. O'Connor, R. C., Sheehy, N. P., & O'Connor, D. B. (1999). A thematic analysis of suicide notes. *Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Prevention*, 20(3), 106
35. O'Donnell, I., Farmer, R., & Catalan, J. (1993). Suicide notes. *The British Journal of Psychiatry*, 163(1), 45-48.
36. Otto, R. K., Poythress, N., Starr, L., & Darkes, J. (1993). An empirical study of the reports of APA's peer review panel in the congressional review of the USS Iowa incident. *Journal of personality assessment*, 61(3), 425-442.
37. Osgood, C. E. & WMJmR, E. (1959) Motivation and language behaviour: a content analysis of suicide notes. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 59, 58-67
38. Shneidman, E.S. (1979). "An Overview: Personality, Motivation, and Behaviour Theories". In Hankoff, L.D. & Einsidler, Bernice (Eds.). *Suicide: Theory and Clinical Aspects*. Ch.12, p.143-163. Massachusetts: P.S.G. Publishing Company Inc
39. Suicide or Murder?: Implicit Narratives in the Eddie Gilfoyle Case (From Forensic Psychologist's Casebook: *Psychological Profiling and*

- Criminal Investigation*, P 315-333, 2005, Laurence Alison, ed.--See NCJ-210952)
40. Tarannum, Afreen & Singh, Vinay & Sharma, Nidhi & Saran, Vaibhav. (2015). Suicide Notes on Unconventional Surface: A Trending Challenge. *IJournals: International Journal of Social Relevance & Concern* 3 (5)
 41. Tiersma, P., & Solan, L. M. (2002). The linguist on the witness stand: forensic linguistics in American courts. *Language*, 221-239.
 42. Shpero, Jess Jann. *The language of suicide note* .Diss University of Birmingham, 2011, p.48

A thematic analysis content linguistic of suicide note analysis of notes case study of 30 samples in Mashhad

darbar,omid

PhD Student, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Mirzajani, Hamidreza

Assistant, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

(Corresponding Author)¹

Estaji, azam

Associate, Department of Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Sheikholeslami, Abas

Associate, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Received: 19/06/2021

Accepted: 10/05/2022

Abstract

Since suicide notes are the only reliable documents in suspicious deaths named as suicide in special branches, determining whether they are real or fake may play undeniable role in recognition of murder and subsequent judicial decisions in initial stages. The question is that "what approaches except common ones such as fake, handwriting as well as signature expertise can be used to recognize fake or real notes in our country with experimental history than scientific"? Since content notes are filled with words and phrases called "linguistic inputs", legal linguistics can be considered internationally alongside with other sciences as forensic medicine and forensic psychiatry and its findings in legal fields indicates a new and scientific approach in determining fake or real notes. In this paper, we are going to identify more repeatable contents in notes by analyzing 30 real notes using Brown & Clark thematic analysis and test the findings by Binomial test to introduce more repeatable and generalizable contents as distinctive features of real notes.

Legal Linguistics, Thematic Analysis, Theme, Suicide Note, Braun, V., & Clarke

1- drmirzajan@yahoo.fr